



# در باره اخلاق انقلابی

رفیق هوشی مین

## در باره اخلاق انقلابی

انسان از بدو پیدایش خود همواره به خاطر زنده ماندن می بایست بر علیه طبیعت ( حیوانات وحشی ، آب و هوا ) مبارزه کند. برای کسب موفقیت در این مبارزه هر فردی باید بر نیروی عده زیادی از مردم ، بر روی گروه و جامعه متکی باشد. او به تنهایی نمی تواند طبیعت بهتری برای زیست بدست آورد .

انسان برای زنده ماندن و تهیه غذا و پوشاک باید تولید کند. تولید هم باید بر روی جامعه اتکاء داشته باشد زیرا که انسان به تنهایی نمی تواند تولید کند. در عصر ما که عصر تمدن و انقلاب است انسان باید برای عهده داری هر کاری هرچه بیشتر بر روی نیروی جمعی اتکاء کند. امروزه بیش از هر زمان دیگر، یک فرد نمی تواند حرکتی جدا داشته باشد بلکه باید به جامعه ملحق شود .

بنابراین فردگرایی در نقطه مقابل اصول اجتماعی و اشتراکی قرار می گیرد. کلکتیویسم ( اصول اجتماعی و اشتراکی ) و سوسیالیسم بیشک غالب و پیروز خواهند شد، در صورتیکه اندیویدوالیسم ( فرد گرایی ) حتما از بین خواهد رفت .

مناسبات تولیدی و نیروهای مولده پیوسته همراه با طرز تفکر انسان و سیستم های اجتماعی تکامل می یابند و تغییر می پذیرند. همه ما میدانیم که از گذشته تا به حال مناسبات تولیدی ، از استفاده از شاخه های درخت و تیشه های سنگی ، تا استفاده از ماشین آلات ، برق و انرژی اتمی تکامل یافته است. روابط اجتماعی هم از کمون اولیه ، برده داری ، فئودالیسم و سرمایه داری رو به تکامل گذارده و امروز نزدیک به نیمی از بشریت بسوی سوسیالیسم و کمونیسم ترقی می کنند و به پیش می روند. هیچکس نمی تواند جلوی این تحولات و ترقیات راستد نماید و جلوی حرکت تاریخ را بگیرد .

از زمان بوجود آمدن مالکیت خصوصی ، اجتماع به طبقات متفاوت تقسیم شده است. طبقات استثمارگر و طبقات استثمار شونده و تضادهای اجتماعی و مبارزه طبقاتی از آن منتج شده است. هر کسی لزوما به یک طبقه و یا دیگری تعلق دارد و هیچکس نمی تواند خارج از طبقات قرار گیرد. در عین حال هر فردی ایدئولوژی طبقه خود را نمایندگی می کند .

در جامعه قدیم مالکان ارضی ، سرمایه داران و امپریالیستها بیرحمانه به طبقات و افسشار دیگر اجتماع بویژه کارگران و دهقانان ، استثمار و ستم وارد می آوردند. آنها دارائی مشترکی را که بوسیله جامعه تولید می شد به غارت و چپاول می بردند و به صورت مالکیت خصوصی خود تبدیل می کردند و در عیش و عشرت زندگی می کردند. اما مرتب در باره " پاکدامنی و عفت " ، " آزادی " و " دموکراسی " صحبت می کردند .

برای امتناع از تحمل همیشگی این ستم و استثمار کارگران ، دهقانان و دیگر زحمتکشان برخاسته اند و انقلاب کرده اند تا خود را از بندهای بردگی و استثمار آزاد سازند و جامعه پوسیده کهنه را به جامعه ای عاری از استثمار انسان از انسان ، جامعه ای که تمام زحمتکشان بتوانند در آن خوشبخت باشند، تبدیل نمایند .

برای پیروزی باید پیشروترین ، آگاه ترین ، قاطعترین ، منضبط ترین و متشکلتترین طبقه ، یعنی طبقه کارگر و حزب پرولتری ، انقلاب را رهبری کند .

انقلاب کردن ، تبدیل جامعه کهن به جامعه ای نوین بسیار باشکوه است ولی در عین حال وظیفه بسیار سنگینی است که یک مبارزه ی سخت پیچیده ، مشکل و طولانی و خستگی ناپذیر را می طلبد. با چنین بار سنگینی، تنها یک انسان پر قدرت می تواند یک مسافت طولانی را بپیماید. یک انقلابی باید دارای یک پایه محکم از اخلاق انقلابی باشد تا بتواند این رسالت پرشکوه را به سرانجام برساند .

همه ما با تولد و پرورش می‌دهیم که در جامعه کهن پیدا کرده ایم، در سطوح مختلف بقایای آن جامعه را در تفکر و عادات خود به همراه داریم. بدترین و خطرناکترین بقایای جامعه کهن فردگرایی است که بر ضد اخلاق انقلابی عمل میکند. کمترین اثری از بقایای فردگرایی در اولین فرصت رشد می‌یابد، روی پاکدامنی انقلابی را با گرد و خاک می‌پوشاند و اجازه نمی‌دهد که ما از صمیم قلب برای منظور و هدف انقلابی خود مبارزه کنیم.

فردگرایی پدیده ایست بسیار فریب دهنده و خیانت آمیز که ماهرانه انسان را به عقب نشینی وامیدارد. و همه میدانند که عقبگرد بسیار آسانتر از پیشرفت و ترقی است. به همین خاطر هم بسیار خطرناک است.

برای رهایی از بقایا و اثرات بد جامعه کهن و جایگزین کردن معرفت انقلابی، ما باید سخت مطالعه کنیم، بیاموزیم و خود را اصلاح کنیم تا پیوسته ترقی نماییم. در غیر اینصورت ما تنزل خواهیم کرد و عقب خواهیم ماند بالاخره از طرف جامعه روبه رشد مردود خواهیم شد.

این تنها با مدرسه رفتن و شرکت در کلاسهای آموزشی نیست که ما می‌توانیم بیاموزیم و خود را اصلاح کنیم. ما می‌توانیم و باید اینکار را در هر فعالیت انقلابی بکار ببریم. فعالیت مخفی انقلابی، نهضت عمومی، جنگ مقاومت، ساختمان کنونی سوسیالیسم در شمال و مبارزه برای اتحاد مجدد ملی، مدارس بسیار خوبی هستند که ما میتوانیم در آنجا معرفت انقلابی کسب نماییم.

انسانهایی که دارای معرفت و پاکیزگی انقلابی هستند، هرگز نه از مشکلات و سختیها و نه از شکستها می‌هراسند، آنها نه مردود و متزلزلند و نه به عقب قدم بر میدارند. آنها هیچگاه در خدمت منافع حزب، انقلاب، طبقه کارگر، ملت و بشریت لحظه ای تردید در فدا کردن منافع خود ندارند و حتی در موقع لزوم، جان خود را نیز فدا می‌کنند. این يك نمونه ی بسیار روشن و عالی از اخلاق انقلابی است.

در حزب ما رفقا تران فو، نگو جیاتو، له هونگ فونگ، نگوین وان کو، هوانگ وان تو، نگوین تی مین خای و بسیاری دیگر جان خود را نثار خلق و حزب کرده اند و به عنوان سمبلهای درخشانی از تعهد کامل به منافع عموم و از خود گذشتگی کامل قرار گرفته اند.

کسانی که دارای اخلاق و معرفت انقلابی هستند، ساده، فروتن و آماده برای مقابله با سختیها باقی می‌مانند، حتی در شرایطی که با بهترین و دلخواهترین شرایط مواجه هستند و در حال کسب پیروزیهای پی در پی می‌باشند. " قبل از دیگران نگران کار باش و بعد از آنها ب فکر بهره مند شدن از لذتها باش ". ما باید همواره به این فکر باشیم که چگونه می‌توانیم رسالت و وظایف خود را برآورده کنیم، نه اینکه چگونه می‌توانیم بهترین پاداش را بگیریم. ما باید از لاف زنی و مغرور شدن از دستاوردهای گذشته و خواستار امتیازات حق ویژه شدن و یا پروردن بوروکراتیسم، خودبینی و بد اخلاقی مطلقاً پرهیز جوئیم این نیز نمونه ای از اخلاق انقلابی است.

خلاصه کنیم، اخلاق انقلابی شامل مطالب زیر میباشد.

- فدا نمودن تمام زندگی در مبارزه برای حزب و انقلاب. این مهمترین نکته است.
- فعالیت خستگی نا پذیر برای حزب، دریافتن دیسیپلین حزب و پیاده کردن مشی و سیاستهای آن.
- منافع حزب و زحمتکشان را در رأس منافع شخصی خود قرار دادن. خدمت به خلق از صمیم قلب و با تمام وجود. مبارزه از خود گذشته برای حزب و مردم و در هر يك از این موارد سمبل قرار گرفتن.
- کوشش جدی در جهت آموختن مارکسیسم - لنینیسم و بکار بردن مداوم انتقاد و انتقاد از خود برای بالا بردن سطح معیارهای ایدئولوژیک و پیشرفت در کار فردی و مشترک با رفقا.
- هر انقلابی باید عمیقاً درك کند که حزب ما پیشروترین و متشکل ترین سازمان طبقه کارگر، رهبر این طبقه و زحمتکشان در مجموع است. در حال حاضر، طبقه کارگر هر چند معدود است، ولی در حال رشد می‌باشد. در آینده، تعاونیهای کشاورزی در همه جا مستقر خواهند شد و دهقانان تبدیل به کارگر خواهند گردید. روشنفکران با کار دستی به خوبی آشنا خواهند شد و تفاوت بین کارکنان فکری و دستی رفته رفته از بین خواهد رفت. نتیجتاً بر تعداد کارگران افزوده خواهد شد. قدرت آنها رشد خواهد کرد و آینده طبقه کارگر زیبا و درخشان خواهد بود. طبقه کارگر خود و دنیا را تحول خواهد داد و اصلاح خواهد کرد.

يك انقلابی باید بروشنی اینرا بفهمد و قاطعانه از موضع طبقه کارگر پیروی کند تا بتواند قلباً برای سوسیالیسم و کمونیسم، برای پرولتاریا و عموم زحمتکشانش مبارزه نماید. معرفت انقلابی شامل وفاداری کامل به حزب و به خلقهاست .

حزب ما هیچ راهی را به جز راه طبقه کارگر و زحمتکشانش دنبال نمی کند. از اینرو هدفش مبارزه برای ساختمان تدریجی سوسیالیسم در شمال و اتحاد مجدد کشور می باشد .

تحت رهبری حزب، خلق ما فرمانانۀ جنگیده است، استعمارگران و فئودالها را سرنگون ساخته و شمال کشور ما را کاملاً آزاد نموده است. این موفقیت بزرگی بود. اما انقلاب هنوز پیروزی کامل خود را بدست نیاورده است. هدف کنونی حزب مبارزه برای اتحاد مجدد ملی برای ساختن ویتنامی صلح دوست، متحد، مستقل، دموکراتیک و شکوفان، برای از بین بردن استثمار انسان از انسان در سراسر کشور و ساختمان جامعه ای نوین که حامل خوشبختی و وفور برای همه می باشد .

هرچند صنعت ما هنوز عقب مانده است ولی در ضمن در حال رشد می باشد. برای کوشش در کامیابی ، کارگران ما باید به رقابت برای تولید هرچه بیشتر، سریعتر و با صرفه تر پردازند، از قوانین کار شناخت پیدا کنند و فعالانه در مدیریت کارهای مهم شرکت ورزند. ما باید علیه ائتلاف و اختلاس مبارزه کنیم و کادریهای ما باید حقیقتاً کوشنده، صرفه جو، صادق و درستکار باشند و به کارگران در کار ملحق شوند .

در میان دهقانان ما زمین تقسیم شده، و بخشاً به پیشرفت زندگانی آنها کمک کرده است. اما مناسبات تولیدی هنوز هم پراکنده و عقب مانده می باشد. از اینرو هنوز اضافه محصول نداشته ایم و وضع زندگی فقط کمی بهتر شده است. جنبش بر پا کردن تیمهای تعویض کار و تعاونیهای دهقانی در روستا باید بطور گسترده و مستحکم جلو گزارده شود تا به ازدیاد تولید کمک کنند، تنها در این صورت است که دهقانان ما می توانند از فقر رهایی یابند و برای خود زندگی بهتری مهیا کنند .

بنابراین اخلاق انقلابی شامل کوشش مجدانه در جهت کسب کردن اهداف و مقاصد حزب، خدمت صادقانه و بی تزلزل به طبقه کارگر و زحمتکشانش ستمدیده می باشد. اکثر اعضای حزب و اتحادیه جوانان کارگر و اکثر کادریها به این وظایف خود عمل کرده اند، اما نه همه. آنها به اشتباه فکر می کنند که حالا که استعمارگران و فئودالها در شمال بیرون انداخته شده اند، پس بنابراین انقلاب با موفقیت به پایان رسیده است. برای همین هم اجازه می دهند که فردگرایی درشان رشد کند، آنها درخواست تفریح و استراحت می کنند و بجای اینکه وظایفی که سازمانش به عهده آنان گذارده برآورد کنند، می خواهند کارهای خود را انجام دهند. آنها خواهان مقامهای بالا می باشند ولی خود مسئولیت قبول نمی کنند. جنگجویی، انرژی، شجاعت انقلابی و خصایص خوششان رفته رفته تضعیف می گردد. آنها فراموش می کنند که معیار اصلی برای يك انقلابی تصمیم او در مبارزه ی تا به آخر برای حزب و انقلاب میباشد .

ما باید توجه داشته باشیم که پیروزیهایی که تا بحال بدست آورده ایم تنها قدم های اول در يك جاده طولانی است. ما باید فراتر رویم، انقلاب باید پیشرفتهای بیشتری نماید. در غیر اینصورت ما به عقب خواهیم رفت و نمی توانیم پیروزیهایی که بکف آورده ایم مستحکم نماییم و تکامل دهیم .

برای گام برداشتن بسوی سوسیالیسم ما باید مبارزه طولانی و سختی را پشت سر بگذاریم. ما باید دارای کادریهای انقلابی حرفه ای باشیم زیرا دشمنان ضد انقلابی هنوز هم وجود دارند .

### ما سه نوع دشمن داریم:

اول - سرمایه داری و امپریالیسم که از خطرناکترین دشمنان ما می باشند .

دوم - عادت و سنن گذشته نیز دشمنان بدی هستند. آنها مودبانه سعی می کنند جلوی پیشرفت انقلاب را بگیرند. لیکن ما نمی توانیم آنها را فرو بنشانیم و باید با هشیاری و مراقبت در جهت تصحیح دراز مدت آنها کوشش نماییم .

سوم - سومین دشمن ما فردگرایی می باشد که خود خصلت و طرز تفکر خرده بورژوازیست که در تك تك ما به کمین نشسته است و منتظر کوچکترین فرصتی است تا سر بلند کند. این دشمن همدست دو دشمن اولیه ما می باشد .

از اینرو اخلاق انقلابی شامل مبارزه ی بی امان ، تحت هر شرایطی علیه تمام دشمنان، هوشیاری، آمادگی برای مبارزه، امتناع از تسلیم و سر تعظیم فرود آوردن می باشد. تنها تحت چنین شرایطی خواهیم توانست دشمن را شکست داده و به وظایف انقلابیمان عمل نمائیم .

حزب ما با پیش گذاردن سیاست صحیح و رهبری متحد است که می تواند طبقه کارگر و تمام زحمتکشان را به سوی سوسیالیسم رهبری کند. چنین رهبری متحدی از اتحاد فکر و عمل تمام اعضایش منشاء میگردد. بدون چنین اتحادی ما همچون ارکستر گوشخراشی خواهیم بود که از هر طرف یکصدای نا موزون بیرون می آید و نگاه ما هرگز قادر به رهبری توده ها و بسرانجام رساندن انقلاب نخواهیم بود .

گفتار و اعمال اعضای حزب بار سنگینی بدوش انقلاب است زیرا که تاثیر زیادی بروی توده ها می گذارد. بطور مثال : سیاست کنونی حزب ما و دولت ما ایجاد تیمهای تعویض کار و تعاونیهای دهقانی به منظور پیشبرد تعاون کشاورزی می باشد. اما تعدادی از اعضای حزب و اتحادیه جوانان کارگر از پیوستن به آن امتناع کرده اند و فعالانه برای ایجاد و استحکام آن شرکت نمی جویند. آنها تحت رهبری فردگرایی بهر کاری که علاقه مند هستند دست می زنند و علیه وظایف و دیسیپلین تشکیلات حزبی عمل میکنند. خواه نا خواه اعمال آنان به حیثیت و اعتبار حزب ضرر زده جلوی کارها را می گیرد و پیشرفت بسوی سوسیالیسم را کند مینماید .

تمام سیاستها و برنامه ها ی حزب برای خدمت به منافع خلق هاست. پس برای يك عضو حزب اخلاق انقلابی شامل حرکت مجدانه و کوشا در جهت به تحقق پیوستن این برنامه ها ( بدون ترس از مشکلات ) و در نتیجه برای توده ها نمونه بودن می باشد. هر عضو حزب باید درجه تعهد و احساس مسئولیت خود را نسبت به خلق و حزب افزایش دهد. از فردگرایی پرهیز کند و قاطعانه علیه آن مبارزه نماید. حزب ما نماینده منافع شخصی يك گروه و یا يك فرد نبوده ، بلکه نماینده منافع مشترك طبقه کارگر و تمام خلقهای زحمتکش می باشد و اینرا همه میدانند .

طبقه کارگر نه تنها برای آزادی خود، بلکه برای رهائی بشریت از یوغ استثمار و ستم مبارزه می نماید. بنابراین منافع این طبقه با منافع خلق یکی می باشد .

يك عضو حزب، بنام حزب، نماینده منافع پرولتاریا و بطور کلی زحمتکشان است. بنابراین منافع او در چهارچوب منافع حزب و پرولتاریا می باشد و نه خارج از آن. موفقیت و پیروزی برای حزب به معنای موفقیت و پیروزی برای آن رزمنده است. هر کس هر چقدر هم که ماهر باشد، مجزا از حزب و طبقه نمی تواند چیزی بدست آورد. اخلاق انقلابی برای يك عضو یعنی در هر شرایطی مقدم قرار دادن منافع حزب بر هر چیز دیگر. اگر منافع حزب با منافع آن فرد در تضاد قرار گیرد ، دومی بیشك باید جای خود را به اولی دهد .

بعضی از اعضای حزب به خاطر میرا نبودن از فردگرایی ، هنوز از " خدمات خود به حزب " به تعریف و تمجید می پردازند و خواهان سپاسگزاری هستند. آنان خواهان توجه، احترام، مقام و آزادیهای ویژه می باشند. اگر خواسته های آنها ارضا نشد از حزب دلزده می شوند و مرتب از این شکایت می کنند که " آینده شان از دست رفته " و " فدا " شده اند. آنها رفته رفته از حزب کنار کشیده و بدتر از آن دست به تبلیغات بر ضد سیاستها و دیسیپلین حزب می زنند . بسیاری از کادرها و جنگجویان در دوران مبارزه مخفی و جنگ مقاومت قهرمانانه جان خود را فدای انقلاب کرده اند، بسیاری از قهرمانان زحمتکش و کارگران پیشرو با جدیت تمام برای ازدیاد تولید کوشش نموده اند. آن رفقا خواهان شهرت و مقام نبوده و انتظار کوچکترین سپاسگزاری از حزب نیز نداشتند .

حزب ما خصلت توده ای دارد و دارای صدها و هزارها عضو می باشد. به خاطر شرایط مشخص میهن ما، اکثریت اعضای حزبی از قشر خرده بورژوازی می آیند و هیچ جای تعجیبی وجود ندارد. در آغاز موضع بعضی از رفقای حزب می تواند بقدر کافی قاطع و مستحکم نباشد، نگرش و طرز تفکر آنان ممکن است مغشوش و لزوما صحیح نباشد، اما با توجه به پرورشی که در انقلاب و جنگ مقاومت یافته اند، آنها در مجموع رزمندگان خوبی هستند و به حزب و انقلاب وفادارند. آنان می دانند که هر رفیق عضو حزب که اشتباه می کند، توده ها را به اشتباه می اندازد. بنابراین برای تصحیح تمام اشتباهات و نقایص خود نیز آماده اند. اینکار در يك پروسه به اشتباهات کوچک اجازه نمی دهد تا به اشتباهات بزرگ تبدیل شوند. آنها صادقانه به انتقاد و انتقاد از خود می پردازند تا راه را برای پیشرفت همگانی باز کنند .

این مطابق اخلاق انقلابیست. در دوران طولانی فعالیت مخفی، حزب ما با وجود سرکوب وحشیانه استعمارگران و مشکلات و خطرات بیشمار که در سر راهش بود، هر روز بیش از پیش محکمتر شده، رشد کرده، انقلاب و

جنگ مقاومت را تا پیروزی به پیش برده. اینهم تحت تاثیر استفاده از سلاح برنده انتقاد و انتقاد از خود می بوده است .

اما رفقای هستند که هنوز نتوانسته اند فردگرایی را از خود بدور کنند، از اینرو بسیار متکبر و از خود راضی بوده و مرتب نسبت به شایستگی و قابلیت‌های خود فخر می فروشند. آنها در حالی که خود از دیگران انتقاد می کنند، دوست ندارند که دیگران به ایشان انتقاد کنند، از انتقاد از خود فرار می کنند یا بدون صداقت و جدیت به آن برخورد می کنند. آنها از این می ترسند که حیثیت خود را از دست بدهند و یا شخصیتشان پائین بیاید. آنها هیچ توجهی به نظرات توده ها ندارند و نمی دانند که اجتناب از اشتباهات در کار مشکل است. ما از امکان اشتباهات نیست که می ترسیم، بلکه از عدم موفقیت در تصحیح بیرحمانه آنان می ترسیم. برای تصحیح اشتباهات ما باید به انتقاد توده ها گوش فرا دهیم و صادقانه به انتقاد از خود بپردازیم. در غیر اینصورت ما به عقب خواهیم رفت و این است نتیجه ی اجتناب ناپذیر فردگرایی .

اخلاق انقلابی یعنی اتحاد با توده ها در يك بدن واحد، اعتماد به آنها و توجه به نظرات آنها. با اعمال و گفتار خود، اعضای حزب و جوانان کارگر و کادرها، اعتماد، احترام و عشق توده ها را به خود جلب نموده، می توانند آنان را بدور حزب متحد کرده، آنان را سازمان و آگاهی داده و طوری بسیج کنند که آنها با شور و حرارت تمام به پیاده کردن سیاستها و برنامه های حزب مجدانه بپردازند.

این کاری بود که ما در دوران انقلاب و جنگ مقاومت انجام داده ایم. اما در حال حاضر، فردگرایی، بعضی از رفقای ما را بقربانی گرفته است. اینان با این ادعا که آنها همه چیز را می دانند، از توده ها جدا مانده و از یاد گرفتن از آنها امتناع می کنند و فقط می خواهند که آموزگار توده ها باشند. آنها در سازماندهی تبلیغات و کار سیاسی در میان توده ها از خود تزلزل نشان میدهند. آنها بزودی به بوروکراتیسم ، و فرماندهی مبتلا می شوند. در نتیجه نه تنها علاقه، بلکه اعتماد و احترام خود را نیز در نزد توده ها از دست می دهند .

اکنون شمال کشور ما بسوی سوسیالیسم به پیش می رود. این آرزوی مبرم میلیونها خلق زحمتکش می باشد. این بسیج همگانی توده های ستم‌دیده تحت رهبری حزب است. فردگرایی يك سد بزرگ‌تست در مقابل ساختمان سوسیالیسم. در نتیجه پیروزی برای سوسیالیسم از يك مبارزه جدی برای از میان برداشتن فردگرایی جدا نیست .

مبارزه علیه فردگرایی بمعنای لگد زدن به منافع فردی نیست. هر شخصی خصوصیات، هنرها، زندگی خصوصی و خانوادگی خودش را دارد. اگر منافع شخصی يك فرد با منافع جمع در تضاد قرار نگیرد، هیچ ضرری نخواهد داشت. اما ما باید توجه داشته باشیم که هر کسی تنها تحت جامعه ی سوسیالیستی خواهد توانست زندگی خصوصی و خصلت های خود را بهتر بکند و نکات مثبت خود را پیروانند .

هیچ سیستمی در احترام به بشریت توجه به حقوق حقه ی افراد و اطمینان به رضایت آنان، به پای سوسیالیسم و کمونیسم نمی رسد. در جامعه ای که تحت حکومت طبقات استثمارگر است فقط به منافع شخصی عده محدودی از همان طبقه رسیدگی میشود، در حالیکه کوچکترین منافع رنجبران لگد مال می شود. اما در جوامع سوسیالیستی و کمونیستی که زحمتکشان خود سرور خود می باشد ، هر کسی بخشی از جامعه است و به نوبه ی خود به جامعه خدمت می کنند. به همین خاطر منافع يك فرد در گرو منافع جمع قرار می گیرد و یکف آوردن هر کدام ملزم بدست آوردن دیگریست. حال اگر ایندو با هم در تضاد افتند اخلاق انقلابی فدا شدن منافع شخصی را در مقابل منافع جمعی می طلبد .

جنبش انقلابی صد ها و میلیونها نفر را در بر می گیرد. فعالیت انقلابی نیز هزاران مسئولیت مشکل و خطیری دارد که باید به پیش برده شوند. برای فائق آمدن به شرایط سخت و تشخیص صحیح تضادها و برای حل صحیح مسائل گوناگون ما باید به علم مارکسیسم -لنینیسم دست یابیم. تنها از این راه ما خواهیم توانست اخلاق انقلابی مستحکمی داشته باشیم، قاطعانه بر روی مواضع ایستادگی کنیم، سطح آگاهی سیاسی و تئوریک خود را ارتقاء دهیم و به وظایفی که حزب بعهد ما گذارده جامعه عمل بپوشانیم .

آموختن مارکسیسم - لنینیسم به معنای یادگیری چگونگی شیوه برخورد به مسایل، به خود و به دیگران است، به معنای آموختن حقایق جهانشمول مارکسیسم - لنینیسم در جهت تلفیق خلاقانه آن به شرایط خاص جامعه است. ما باید از موضع عمل این تئوریا را بیاموزیم .

اما بعضی از رفقا یکسری از کتب مارکسیستی را حفظ می کنند و خیال می کنند که دیگر مارکسیسم - لنینیسم را از هر کس دیگری بیشتر درک کرده اند. اما زمانی که با مسائل مشخص عملی روبرو می شوند ، یا از خود حرکتی مکانیکی نشان می دهند، و یا بکلی گیج می شوند. گفتار آنها مطابق کردارشان نیست. آنها کتب مارکسیست - لنینستی می خوانند ولی روح انقلابی و پرولتری آنها جستجو نمی کنند. آنها فقط می خواهند معلومات خود را برُخ دیگران بکشند، نه اینکه آنها در عمل انقلابی بکار برند. این نیز نوعی از اندیویدوآلیسم است .

اندیویدوآلیسم صدها مرض خطرناک دیگر بدنیا می آورد: بوروکراتیسم، فرماندهی، سکتاریسم ( گروه گرایی)، سوپژکتیویسم ( ذهنی گرایی )، فساد و غیره. فردگرایی دستان و چشمان اسیر خود را بسته و تمام حرکتهاى او را بسوی آرزو برای احترام و مقام ( نه از موضع علاقه به منافع خلقها و طبقه ی کارگر) هدایت می کند. فردگرایی دشمن سرسخت سوسیالیسم است و هر انقلابی باید با آن خط کشی کند .

در حال حاضر برای ساختمان شمال، وظیفه ی حزب و مردم اینست که در جهت ازدیاد تولید و صرفه جویی بکوشند، رفته رفته به سوسیالیسم رو بیاورند و آنها پایگاه محکمی برای اتحاد مجدد کشور تبدیل نمایند. این وظیفه ای بسیار درخشان است. بگذار تمام اعضای حزب و اتحادیه ی جوانان کارگر ، بگذار تمام کادرهای داخل و خارج از حزب به این نتیجه برسند که تمام زندگی خود را در خدمت حزب و به خلق واگذار کنند .

اخلاق انقلابی از آسمان نمی بارد، بلکه از درون پشتکار و مبارزه ی روزمره تکامل پیدا می کند. مانند عاج هر چه بیشتر صیقل پیدا می کند درخشنده تر و زیبا تر میگردد .

چه چیزی جز دمیدن اخلاق انقلابی در يك رفیق برای خدمت به ساختمان سوسیالیسم و آزادی بشریت می تواند سرچشمه ی بزرگتر و زیباتری از شادی و خوشبختی باشد ؟

من صمیمانه آرزو دارم که تمام اعضای حزب و اتحادیه ی جوانان کارگر و همگی کادرهای داخل و خارج از حزب برای پیشرفت و ترقی، مبارزه جدی و سختی را در پیش گیرند .

پشت جلد جزوه نوشته شده:

کسانی که بر علیه بی عدالتیها قد علم می کنند انسانهای واقعی هستند .

زمانی که در زندانها باز شود عقاب واقعی پیرواز در خواهد آمد

رفیق هوشی مین

پشت جلد جزوه نوشته شده:  
کسانی که بر علیه بی عدالتیها قد علم می کنند انسانهای واقعی هستند .  
زمانی که در زندانها باز شود عقاب واقعی پیرواز در خواهد آمد  
رفیق هوشی مین